



دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی

بیستم
آبان
۱۳۹۹
تهران

ضرورت کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی زنان روستایی در راهبردهای حکمرانی اسلامی (مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی)

فرهود گل محمدی^۱

^۱استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند- و عضو بسیج اساتید استان خراسان جنوبی

GOLMOHAMMADI@IAUBIR.AC.IR

فرناز گل محمدی^۲

^۲فوق تخصص روانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

FARHOODGOL@YAHOO.COM

فرنوش گل محمدی^۳

^۳استادیار و متخصص دندانپزشکی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

FARHOOD.GOL@GMAIL.COM

چکیده

واقعیت این است که ما در دوره ای زندگی می کنیم که مقبولیت و مشروعیت دولت ها با میزان مشارکت اجتماعی مردم به ویژه زنان سنجیده می شود، تجربه جهانی ثابت کرده که حضور زنان در عرصه عمومی و سطوح تصمیم گیری به اصلاح نظام اداری و بهبود کیفیت خدمات دولتی در کشورهای در حال توسعه کمک شایانی کرده است، بنابراین برعهده قانونگذاران است که با فراهم سازی زمینه های توانمندسازی زنان به رشد

اقتصادی و توسعه مبتنی بر دانش کشور کمک کنند و مطمئناً عدالت اجتماعی نیز ایجاب می کند که به کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی زنان پردازیم. ما در عصری زندگی می کنیم که همه چیز آن دستخوش تغییرات بنیادی است. متأسفانه در کشور ما و در اکثر کشورهای دنیا، سنتی ترین و عقب مانده ترین قشر جامعه را کشاورزان و بویژه زنان روستایی تشکیل می دهند. اکثر آنان یا تحصیل نکرده اند و یا در دوران کودکی آن را رها نموده اند. نیاز به تداوم آموزش در بین این قشر از جامعه که تولید کننده یکی از نیازهای اساسی زندگی ما هستند، نسبت به سایر اقشار حیاتی تر است. از سویی، به خاطر محدودیت های موجود، امکان آموزش های گوناگون برای آن ها کمتر است. امروزه در میان سرمایه های متنوعی که برای توسعه وجود دارد، بدون شک، سرمایه انسانی از اولویت خاصی برخوردار است و طبیعی است که سرمایه گذاری در این زمینه موجب پرورش افرادی خبره، ماهر، آگاه و رشدیافته می شود با توجه به اینکه زنان روستایی بیش از یک سوم از جمعیت فعال جهان را تشکیل داده و نقش های متعددی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارند، ضرورت آموزش زنان روستایی در تمامی ابعاد، بیش از پیش احساس می شود. زنان روستایی در شرایط بسیار سنتی کار می کنند، با ابزارهای اولیه سنتی کشاورزی سر و کار دارند و فاقد اطلاعات لازم درباره سیستم های جدید زراعی، دامداری و... میباشند به همین منظور، آموزش اعضای هر جامعه به ویژه زنان، همواره امری مهم و لازم است. این امر به خصوص برای زنان روستایی که در محرومیت به سر میبرند حائز اهمیت بیشتری است. ترویج و آموزش کشاورزی نوعی آموزش غیر رسمی به روستائیان و علاقمندان به کشاورزی برای آشنائی و استفاده از فناوری های نو جهت افزایش تولید و بهره وری و درآمد و ارتقای سطح زندگی تولیدکنندگان کشاورزی و رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و روستائی است. به هر صورت، آموزش زنان روستایی یکی از بهترین راهبردها برای تضمین موفقیت در ارتباط با توانمندسازی و کارآفرینی است در نظام آموزشی _ ترویجی باید شناختی کلی از جایگاه زنان در اقتصاد جامعه روستایی و نیازهای آنها صورت گیرد، زیرا زنان روستایی اعضای مؤثر در روند توسعه روستایی، تولید محصولات کشاورزی و مولدان آینده مکتب آموزشی ترویج به شمار میروند. این پژوهش سعی دارد با تاکید بر یک پژوهش توسعه ای و ژرفانگر، با استفاده از روش تحلیل محتوا و با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای، نظر خواهی از زنان روستایی و کارشناسان آموزش زنان روستایی سازمان جهاد کشاورزی به مطالعه و بررسی این موضوع پردازد.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، آموزش ترویجی، اشتغالزایی، کارآفرینی، توانمندسازی، خراسان جنوبی.

۱. مقدمه

ترویج و آموزش کشاورزی نوعی آموزش غیر رسمی به روستائیان و علاقمندان به کشاورزی برای آشنائی و استفاده از فناوری‌های نو جهت افزایش تولید و بهره‌وری و درآمد و ارتقای سطح زندگی تولیدکنندگان کشاورزی و رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و روستائی است.

ترویج کشاورزی یاری هدفدار در تصمیم‌گیری و شکل‌گیری نظرات تعریف شده است. کارشناسان آن را نوعی مداخله‌گری ارتباطی حرفه‌ای می‌دانند که توسط یک نهاد به منظور ایجاد تغییرات داوطلبانه رفتاری در کشاورزان با فرض داشتن منافع جمعی یا اجتماعی بنا می‌شود (کرمی و فنایی، ۱۳۷۳).

هدف ترویج کشاورزی رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و ارتقاء سطح زندگی کشاورزان به ویژه کشاورزان خرده‌مالک و تهیدست است تا از طریق آشنائی با یافته‌های پژوهشی و فناوری بصورت ساده و کاربردی بتوانند با افزایش تولید و کاهش هزینه و کسب درآمد بیشتر سطح زندگی خود و خانواده را فراهم نمایند. ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و روستائی یکی از عناصر ضروری است که بیشتر در قالب نظام‌های دولتی و اخیراً در برخی کشورها بصورت فعالیتهای ترویج خصوصی کشاورزان را تحت آموزش به روشهای مختلف قرار می‌دهند. البته در کشور ما این هدف آنگونه که انتظار می‌رود محقق نگردیده است زیرا کارشناسان ما پس از تحصیل به خاطر کم تجربه‌گی و ثوریک بودن مطالب درسی تدریس شده در دانشگاه اکثراً یا بیکارند یا هنگام ورود به عرصه کار و در عمل به جای کمک به رشد و توسعه کشاورزی و ترویج کشاورزی بین کشاورزان به پشت میز نشینانی ثوری پرداز و آمارساز مبدل می‌شوند که حتی کشاورزان نیز بر ناکار آمدی بسیاری از آنان در عرصه عمل به علوم آموخته شان شاهدند. و توجه به نابسامانی‌ها و عدم پیشرفت چشمگیر در این عرصه تاییدی بر این مدعا است. مشکل اصلی ترویج در کشور ما عدم ارتباط منطقی مابین سه بخش تحقیقات، آموزش و ترویج است. زیرا هر کدام از این بخشها بطور جدا و منفصل از هم کار می‌کنند و ارتباطی با هم ندارند و یا اگر دارند بسیار محدود و غیر کارا است (کرمی و فنایی، ۱۳۷۳) و (Golmohammadi, 2019).

شرط بقاء در دنیای پرشتاب کنونی استفاده از همه منابع موجود و توان افزایی کلیه ظرفیت‌های در اختیار است. انتخاب این مسیر مستلزم فراهم ساختن بستری است که امکان بروز و ظهور مهارت‌ها و تدابیر خلاقانه و فعالیت‌های کارآفرینانه را فراهم سازد (صابر، ۱۳۸۵) و (Golmohammadi, 2019).

چالش اشتغال یا موضوع کار و بیکاری یکی از مهمترین مسائل اجتماعی روز در کشور، شهر و روستا به شمار می‌آید دلایلی نظیر پایین بودن سطح مهارت‌ها و تخصص افراد و نیز پایین بودن ظرفیت بازار کار، امکان ایجاد اشتغال برای همه را از بین برده است.

زمانی که کارآفرینی در روستاها به عنوان یک پدیده پیچیده و دست نیافتنی تلقی شود و مردم روستا از زمینه ها و مهارت های لازم جهت کارآفرینی آگاهی داشته باشند نمی توان انتظار داشت که روستاییان جهت گیری مثبتی به سمت کارآفرینی داشته باشند و انتظار ایجاد کسب و کارهای جدید در روستاها بیهوده خواهد بود (پورقاسم و همکاران، ۱۳۹۰) و

(Golmohammadi, 2019).

بسیاری از صاحب نظران توسعه روستایی بر این باورند که شناخت توانمندی ها و مهارت های زنان، به خصوص زنان روستایی و هدایت استعداد های خلاق آنان می تواند در بهره وری از ظرفیت های این قشر عظیم اجتماعی موثر واقع شود، به عبارتی شناخت الزامات گوناگون زنان روستایی کارآفرین، تدابیر و امکان مناسبی را برای برنامه ریزی در جهت بکارگیری مهارت های کارآفرینی شاغلین پنهان جامعه روستایی فراهم خواهد ساخت (Golmohammadi, 2019).

بررسی روند دو دهه گذشته بیانگر آن است که افراد در همه سطوح، نیاز زیادی برای برخورداری از مهارت های کارآفرینانه احساس می کنند تا از این طریق توانایی خویش را در رویارویی با تغییرات جاری زندگی و عدم قطعیت های آینده را بهبود بخشند. علاوه بر این، آنچه افراد را در جهت کسب فرصت یادگیری یک روش نوآورانه برای حل مسئله توانمند می سازد، تطبیق راحت با تغییرات، برخورداری از اعتماد به نفس بیشتر و پرورش خلاقیت از طریق کارآفرینی است که بدون تردید منافع بسیاری برای جامعه به بار می آورد (Mckenown et al., 2006) و (Golmohammadi, 2019).

توسعه کارآفرینی و توانمند سازی مکمل یکدیگر بوده و باعث قدرت بخشیدن به زنان در فعالیت های مختلف کارآفرینی اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می شود (Navaz, 2009). در عصر حاضر ((مهارت)) تاثیر بسزایی در انجام مطلوب و بهینه کارها، ایجاد رضایتمندی و ارتقای انگیزه در افراد می گردد. که در نهایت توسعه منابع انسانی و افزایش بهره وری را به همراه دارد، و یکی از زیرساخت های اساسی کارآفرینی است (اسمعیل تبار، ۱۳۸۹) و (Golmohammadi, 2019).

Jusoh et al., (2011) معتقدند کارآفرینان باید خود را مجهز به مهارت های گوناگون کرده و این مهارت ها را در طول زمان ارتقاء دهند و با استفاده از آموزش، مهارت و دانش خود را بالا برده و خود را برای چالش ها و رقابت جهانی آماده سازند.

((توسعه مهارت های کارآفرینی)) زنان روستایی یک مرحله جدید در توسعه اقتصادی هر کشور است که از طریق ایجاد شغل باعث استقلال اقتصادی زنان می گردد (Tarakeswara Rao et al., nd) و (Golmohammadi, 2019).

به عقیده هیستریچ زنان بزرگترین گروه محرومان جهان هستند، برنامه ریزان و کارشناسان باید تلاش های خود را به سمت کاهش محدودیت ها و محرومیت ها سوق دهند و زنان روستایی را به سمت برابری اقتصادی و اجتماعی هدایت نمایند این میسر نمی

شود مگر با توسعه مهارت های کارآفرینی (Lashgarara et al., 2011). به طور کلی مهارت کارآفرینی شامل مهارت فردی، مدیریتی و فنی یک کارآفرین است (فتحی واجارگاه، ۱۳۹۰) و (Golmohammadi, 2019).

ضرورت پرداختن به مقوله توانمندسازی و کارآفرینی و متعاقب آن ایجاد اشتغال پایدار از آن جهت حائز اهمیت است که روستاها نیز همچون شهرها، مملو از فرصت های جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره برداری به موقع از این فرصت ها و ایجاد کسب و کارهای جدید و رقابت پذیری بر مبنای آن می تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستاییان به همراه آورد و زمینه را برای تحقق توسعه متوازن آماده نماید بدیهی است دست یابی به این مهم بدون آموزش هدفمند و اثربخش محقق نخواهد گردید (Golmohammadi, 2019).

۲. روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، به دلیل توسعه سطح دانش موجود در مورد نقش آموزش زنان روستایی در راستای توسعه توانمندسازی و اشتغال آنان، از نظر هدف یک پژوهش توسعه ای و به دلیل بیان ابعاد مختلف این حوزه ها، از نظر تمرکز بر موضوع، یک پژوهش ژرفانگر است. اطلاعات مورد نیاز برای این مطالعه، به روش کتابخانه ای، نظر خواهی از زنان روستایی و کارشناسان آموزش زنان روستایی سازمان جهاد کشاورزی و تکمیل پرسشنامه جمع آوری گردیده و با بهره گیری از شیوه تحلیل محتوا، آموزش، به عنوان بستری برای توانمندسازی زنان روستایی، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است جامعه آماری مورد نظر، زنان روستایی که در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ در دوره های آموزشی برگزار شده توسط سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی شرکت کرده اند می باشند که مشتمل بر ۱۳۲۴ نفر می باشند.

که تعداد ۵۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این تحقیق، نمونه گیری تصادفی طبقه ای می باشد. در بخش کمی تحقیق، ابزار مطالعه میدانی شامل پرسشنامه بود که از طریق مصاحبه تکمیل شد. به منظور بررسی روایی ابزار تحقیق، پرسشنامه مورد نظر در اختیار افراد متخصص گذاشته شد که پس از کسب نقطه نظرات، اصلاحات لازم در آن به عمل آمد. همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد میزان ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده برای کل پرسشنامه، $\alpha = 0.87$ بود و این بیانگر پایایی مناسب ابزار مورد نظر است.

الف) یافته های کتابخانه ای:

وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران و جهان:

میزان مشارکت زنان در نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است. سهم زنان از نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. این روند فرصت ها و چالش هایی را برای زنان و اقتصاد کشورهای متبوعشان ایجاد می کند.

در حالی که در کشورهای پیشرفته زنان سهم خویش را از اشتغال و مشاغل حرفه ای در سطح وسیعی افزایش داده اند در کشورهای در حال توسعه نقش زنان در بخش کشاورزی، کارهای بی مزد خانه و فعالیت های غیر رسمی بیش تر مشاهده می شود (Moghadam, 2002) و (Golmohammadi, 2019).

علیرغم مقدار نسبتا بالای مشارکت زنان در بیشتر مناطق در حال توسعه، در منطقه خاورمیانه وضعیت متفاوت است. ۳۰ سال پیش، از سهم بسیار پایین زنان در بازار کار منطقه که به سختی به ۱۰ درصد در بسیاری از کشورها می رسید، ابراز نگرانی می شد در آن زمان این سهم بسیار پایین تر از سایر مناطق دنیا بود. امروز آمارهای مربوطه به سختی سهم ۲۰ درصدی از اشتغال زنان در نیروی کار را نشان می دهد. و این در حالی است که در بسیاری از کشورهای منطقه مقدار مشارکت، حتی کم تر از این میزان است. مشاهدات بیانگر آن است که به جز برخی اقتصادهای صادرات محور و کاربر در سایر مناطق خاورمیانه سرعت میزان مشارکت زنان بسیار کند است (Golmohammadi, 2019).

در اکثر جوامع انسانی از جمله ایران، نقش های مختلفی بر عهده مردان و زنان است. در تقسیم کار سنتی که بر مبنای جنسیت صورت می گیرد معمولا جامعه از مردان انتظار دارد که مسئولیت معیشت خانوار را عهده دار شوند. به همین دلیل معمولا مردان در خارج از خانه به کار تولیدی اشتغال دارند و با محصول خود یا درآمد ناشی از آن نیازهای اساسی خانواده را تامین می کنند. در مقابل از زنان انتظار می رود که در خانه کار کنند، تهیه غذا، نظافت خانه، مراقبت از فرزندان و سایر امور خانه داری را سامان دهند و در کنار آن از درآمد همسر برای اداره خانواده استفاده کنند.

بررسی های انجام شده نشان می دهد زنان که نیمی از نوع بشر را تشکیل می دهند و عهده دار دو سوم از فعالیتهای انسانی هستند تنها یک دهم درآمدها و کمتر از یک صدم دارایی های جهان را در اختیار دارند. نتایج تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که زنان در کشورهای آفریقایی، بیش از ۶۰ درصد، در کشورهای آسیایی ۵۰ درصد و در کشورهای آمریکای لاتین ۴۰ درصد فعالیتهای مرتبط با تولید کشاورزی را بر عهده دارند.

(Golmohammadi, 2019)

از سوی دیگر بیشتر ۱/۵ میلیارد نفری که با یک دلار یا کمتر در روز زندگی می کنند زنان هستند. بیش از ۷۵ درصد فقرا در روستاها ساکن می باشند و از این افراد، ۷۰ درصد فقرای روستایی را زنان تشکیل می دهند. به عبارت دیگر در بیشتر کشورها محرومترین محرومان، زنان روستایی هستند. (FAO, 2005, به نقل از کمالی، ۱۳۸۵).

در برخی مناطق خاورمیانه این نگرانی وجود دارد که برخی دستاوردهای گذشته زنان در زمینه اشتغال، به رغم پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دچار نقصان شود. همان گونه که در ایران طی دوره ۱۳۴۹-۱۳۴۸ تا ۱۳۶۹-۱۳۶۸ این مسئله اتفاق افتاد. در واقع اشتغال زنان در ایران از بالاترین میزان در میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی، به پایین ترین سطح کاهش یافت (Moghadam, 2002) و (Golmohammadi, 2019).

جدول ۱: سهم اشتغال زنان از کل اشتغال (درصد) کشورهای منتخب خاورمیانه و آفریقای شمالی ۱۹۷۰-۱۹۹۰

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰
کشور	۱۳۴۹-۱۳۴۸	۱۳۵۹-۱۳۵۸	۱۳۶۹-۱۳۶۸
الجزیره	۵	۸	۱۰
مصر	۹	۹	۱۶
ایران	۱۵	۱۲	۱۰
عراق	-	۸	۱۱
اردن	-	۹	۱۰
کویت	۸	۱۴	۲۱
مراکش	-	۱۸	۲۵
سوریه	۱۰	۹	۱۵
تونس	۶	۱۵	۱۷
ترکیه	۱۴	۱۵	۱۸

ماخذ: UN سال ۱۹۹۴، ارائه شده در گزارش مقدم، سال ۲۰۰۲

زنان روستایی در ایران ۵۰ درصد کارهای کشاورزی را صرفنظر از فعالیت های خانه داری و صنایع دستی انجام می دهند. در صورتی که کمترین فعالیت های آموزشی، ترویجی و تحقیقی برای آنان در نظر گرفته می شود در کل کمتر از ۲ درصد پرسنل ترویج کشور را زنان تشکیل می دهند. علاوه بر این فعالیت های ترویجی زنان روستایی، مانند بقیه فعالیت های ترویجی، عمدتاً از رهیافت عمومی ترویج و انتقال فن آوری به صورت عمودی دنبال می گردد. متأسفانه فعالیت های آگاه سازی و جنسیتی و مشارکتی نیز بسیار محدود می باشد (کمالی، ۱۳۸۵) و (Golmohammadi, 2019).

در سال ۱۳۷۵ در حدود ۴۴/۱ درصد زنان شاغل در روستا در خانه کار می کردند و مزدی برای کارشان دریافت نمی کردند این رقم در ۱۳۸۰ به ۵۵/۸ درصد افزایش یافت (نوروزی و هاشمی، ۱۳۸۱) و (Golmohammadi, 2019).

جدول ۲- اشتغال زنان (ده سال و بیش تر از آن) ارقام به ۱۰۰۰ نفر

سال میلادی	۱۹۹۶-۱۹۹۷	۱۹۷۷-۱۹۷۸	۱۹۸۶-۱۹۸۷	۱۹۹۱-۱۹۹۲	۱۹۹۶-۱۹۹۷
سال شمسی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
روستایی و شهری					
کل	۶۸۵۸	۸۷۹۹	۱۱۰۰۲	۱۳۰۹۷	۱۴۵۷۱
زن	۹۱۰	۱۲۱۲	۹۷۵	۱۲۳۱	۱۷۶۵
درصد	۱۳٪/۳	۱۳٪/۸	۸٪/۹	۹٪/۴	۱۲٪/۱
شهری					
کل	۲۶۱۰	۴۱۱۳	۵۹۵۳	۷۶۰۹	۸۷۹۹
زن	۲۰۷	۴۶۰	۵۲۵	۷۵۲	۹۹۱
درصد	۷٪/۹	۱۱٪/۲	۸٪/۸	۹٪/۹	۱۱٪/۳
روستایی					
کل	۴۲۴۸	۴۶۸۷	۴۹۸۷	۵۴۰۵	۵۷۱۱
زن	۶۰۳	۷۵۲	۴۴۶	۴۷۴	۷۶۵
درصد	۱۴٪/۲	۱۶٪	۸٪/۹	۸٪/۸	۱۳٪/۴

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹ (به دلیل گرد کردن اعداد ممکن است مجموع درصد ها ۱۰۰ نشود)

با کمی دقت متوجه می شویم که تقسیم کار بر اساس جنسیت در تمام جامعه اعم از شهری و روستایی به چشم می خورد هرچند دولت ها می کوشند تا سطح زندگی خانواده های کم درآمد را بالا ببرند و این موضوع در برنامه های توسعه نیز مورد نظر قرار می گیرد. اما با این حال برنامه های ملی توسعه، مستقیم یا غیر مستقیم، توسعه اقتصادی و اجتماعی مردان را در نظر می گیرد زیرا مردان به عنوان تولیدکنندگان و سرپرست خانوار محسوب می شوند و این موضوع مشکلاتی عمیق را در بهره گیری زنان و مردان از برنامه های توسعه پدید می آورد (Golmohammadi, 2019).

از طرف دیگر عمدتاً چنین تصور می شود که خدماتی که به یکی از اعضای خانواده ارائه می شود، به بقیه اعضای خانواده هم می رسد و بنابراین عمدتاً خدمات به رئیس خانوار، یعنی مرد تعلق می گیرد. با اینکه بخش زیادی از کارها و فعالیت های تولیدی در روستاها با تلاش زنان روستایی انجام می گیرد ولی اعتبارات، آموزش و مشاوره به مردان اختصاص می یابد به این امید که مردان به نحوی اثرات این خدمات را به زنان انتقال دهند (کمالی، ۱۳۸۵).

۳. راهکارهای توانمندسازی زنان روستایی در چند کشور جهان

هند:

زنان روستایی در هندوستان بطور مفصل و گسترده در فعالیتهای کشاورزی فعالیت می کنند. در حالیکه طبیعت و گستردگی این مشارکت شان برای انواع تولیدات کشاورزی متفاوت است.

یک نوع مشارکت زنان در انواع فعالیت های کشاورزی مالکیت آنها بر زمین های کشاورزی خانوار است. ۵۵٪ تا ۶۶٪ از کل نیروی کارگری یا درصدی خیلی بالاتر از این را در برخی نواحی دیگر به خود اختصاص می دهند. بنابراین می توان سهم مهمی جهت تولید محصولات کشاورزی را برای زنان متصور شد. زنان نیمی از نیروی کارگری برای کاشت برنج را تشکیل می دهند. در بخش کاشت گیاهان زنان نیروی کارگری بسیار مهمی هستند (Golmohammadi, 2019).

برنامه های تاکیدی برای زنان روستایی هندوستان:

- ۱- برنامه های توسعه ای برای زنان روستایی جهت مهارت های رهبری برای مدیریت جامعه کشاورز و توسعه فعالیت پایه
- ۲- توسعه برنامه های اقتصادی و آموزش سیاسی برای زنان روستایی جهت توسعه و استفاده از نهاده های اثر بخش
- ۳- حمایت خدمات ترویج کشاورزی در برنامه های آموزشی و دیگر فعالیت های مربوط به دوره های آموزش کشاورزی
- ۴- حمایت از مدیریت زنان روستایی برای تولید و فروش در زمینه محصولات باغبانی، پرورش گل و فراوری بعد از برداشت در محصولات مختلف
- ۴- ارائه تکنولوژی آموزشی و عرضه نهاده ها به زنان جهت ارتقا ارزش بخش کشاورزی و صنایع وابسته آن شامل بیو تکنولوژی و تولیدات جنگلی می باشد (FAO, 1998) و (Golmohammadi, 2019).

بنگلادش:

علی رغم کار عادی خانوادگی، زنان در مشارکت و تولید محصولات کشاورزی در بنگلادش خیلی فعال هستند. زنان در روستاهای بنگلادش عموماً مسئول اغلب کارهای کشاورزی در خانه و متعلقات آن هستند. آنها به صورت سنتی باغبانی را برعهده دارند، فعالیت های زراعی و متعلقات آن، شامل بذر پاشی و ذخیره سازی محصولات تولیدی عمدتاً تحت مدیریت زنان هستند.

برنامه های تاکیدی برای زنان بنگلادش:

- ۱- آموزش کارکنان میدانی در طرح های مشارکتی و برنامه های اجرایی جهت ایجاد توانایی پذیرش فرهنگ عمومی در زنان روستایی.
- ۲- قوی سازی نظام ترویج جهت تساوی جنسیتی برای تضمین اثر بخشی آن.
- ۳- شناسایی و پاسخگویی به نیازهای کشاورزی زنان و خانوار.
- ۴- حمایت از زنان در تولیدات پس از برداشت و فعالیت های بازاریابی به وسیله ارائه و تدارک اطلاعات بازارهای محلی و ارتباطات، بهبود وضعیت حمل و تسهیلات جهت ذخیره سازی و انبار داری، بهبود فن آوری فرآوری و بسته بندی، افزایش تسهیلات موجود.
- ۵- آغاز برنامه های سوادآموزی بزرگسالان و ایجاد ظرفیت های کارا با تاکید ویژه بر روی زنان .
- ۶- ایجاد یک نظام نظارتی بر این برنامه ها.
- ۷- تدارک آموزشهایی در زمینه تولید محصولات، پرورش گل ها، عملیات بعد از برداشت و دامپروری در سطح کوچک و تولید شیلات و فرآوری محصولات (FAO, 1998) و (Golmohammadi, 2019).

چین:

زنان بر طیف وسیعی از تولیدات کشاورزی و همچنین در طبقات اجتماعی نقش بازی می کنند. درحالیکه زنان یک جایگاه حیاتی در تولید محصول برنج مناطق جنوبی دارند. در برخی روستاهای شمالی زنان نقش فوق العاده ای ایفا می کنند. زنان در حدود ۱۶٪ کار کشت برنج و ۹٪ کار کشت گندم را انجام می دهند.

بطور معمول این طور گفته می شود که در نواحی که تراکم جمعیت کمتر است زنان بیشتر از مردان در فعالیت های کشاورزی کار می کنند. اما در مناطقی که تراکم جمعیت زیاد است مردان بیشتر از زنان در فعالیت های کشاورزی کار می کنند. در نواحی که کشت و کار شدید است، آبیاری زمین توسط مردان و زنان انجام می شود و هر دو سخت کار می کنند تا بتوانند خانواده هایشان از درآمد یک تکه زمین کوچک منتفع شوند به هرحال زنان در جنوب بیشتر از شمال کارهای زراعی می کنند (Golmohammadi, 2019).

برنامه های تاکیدی زنان روستایی در چین:

- ۱- افزایش مشارکت زنان در برنامه های انتقال تکنولوژی و آموزش جنگلداری و پرورش شیلات و دامپروری.

- ۲- تاکید بر روی اینکه توسعه فناوری ها جهت کاهش رنج کاری زنان در دستور کار قرار بگیرند تا بار کاری زنان به حداقل برسد.
- ۳- انتقال تکنولوژی به زنان روستایی جهت افزایش میزان بهره وری کشاورزی و فعالیت هایی جهت تولید محصولات فرعی.
- ۴- ارائه آموزش هایی در زمینه تکنولوژی مناسب شامل روشهای حفاظت از خاک و مصرف مناسب آب ، به زنان روستایی .
- ۵- آغاز برنامه های سواد آموزی بزرگسالان برای زنان روستایی جهت توانمند سازی آنها برای بهره مندی و سود بردن از تکنولوژی های جدید و بهبود روش ها جهت افزایش میزان تولید محصولات.
- ۶- توسعه برنامه ها جهت افزایش دسترسی زنان به تولید و دیگر نهاده های تولید.
- ۷- سازگاری بالای آموزش های کشاورزی، آموزش فنی و حرفه ای و دوره های آموزشی ترویج با خصوصیات همه مشارکت کنندگان و همچنین سازگاری آن با رهیافت های حساس جنسیتی (FAO , 1998).

سريلانكا:

علی رغم کار خانوادگی روزانه، زنان در بسیاری از فعالیتهای تولید کشاورزی مشارکت می کنند. زنان در تولید معاش سهیم هستند و به عنوان نیروی کار مجانی خانواده تلقی می شوند. در حقیقت ۵۶٪ زنان کار می کنند جدا از خانواده هاشان، زنان روستایی در عملیات بعد از برداشت در سطح خیلی وسیعی مشارکت دارند و بیش از ۵۰٪ کل نیروی کاری مشارکت کننده در عملیات بعد از برداشت را تشکیل می دهند. آنها وظایف متعددی را برعهده دارند. برای مثال برداشت، پاک کردن ، خشک کردن ، انبارکردن غله و حبوبات و غیره، خشک کردن شالی های برنج منحصرا کار زنان است. زنان روستایی همچنین نقش خیلی مهمی در عملیات پس از برداشت جدا کردن دانه ذرت و حبوبات دارند.

برنامه های تاکیدی برای زنان روستایی سريلانكا:

- ۱- جمع آوری و تجزیه و تحلیل همه داده ها و اطلاعات براساس نیاز زنان و برنامه ریزی دقیق در راستای آموزش آنان به منظور ارتقای سطح دانش و مهارت های کاربردی
- ۲- شکل دهی سیاست و طرح ها جهت ارائه دسترسی و کنترل زنان و مردان روستایی بر اغلب منابع و زمین های ویژه و خاص در برنامه ها و سیاست گذاری (FAO, 1998).

با یک نگاه گذرا به تجربیات کشورهای فوق در میباییم که آموزش به عنوان یک رکن اساسی در توانمندسازی زنان روستایی نقش اساسی و کلیدی را ایفا نموده و به عنوان موتور محرک در راستای ارتقای سطح مهارت و توانمندسازی زنان روستایی نقشی بی بدیل را در ایجاد اشتغال بر عهده داشته است (Golmohammadi, 2019).

۴. نقش آموزش در ارتقای مهارت کارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی

کارآفرینی و کارآفرینان نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می کنند که این امر بدون توجه کافی به مقوله توسعه فرهنگ کارآفرینی و آموزش آن میسر نخواهد بود. در این میان با توجه به این امر که امروزه زنان توانسته اند نقش عظیمی در تحولات اقتصادی کشورها ایفا کنند مطالعات گسترده ای بر روی کارآفرینی زنان بیش از گذشته صورت گرفته است، در واقع موفقیت زنان کارآفرین در جوامع به خصوص در اجتماعات روستایی موجب افزایش کیفیت زندگی و بهبود شرایط اقتصادی و فرهنگی در روستاها در مقایسه با سال های گذشته شده است. بنابراین توجه به توانمندسازی زنان کارآفرین به عنوان ساز و کاری برای افزایش زندگی کاری و شخصی زنان لازم و ضروری به نظر می رسد که این امر مستلزم آموزش هایی در این زمینه می باشد به نحوی که از طریق این آموزش ها، مهارت و صلاحیت زنان کارآفرین افزایش پیدا کند و سبب اثربخشی هر چه بیشتر زنان کارآفرین در خانواده، کسب و کار و جامعه شود (قلی پور و همکاران، ۱۳۸۷) و (Golmohammadi, 2019).

بر اساس تعریف طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۴) توانمندسازی زنان به معنای کسب قدرت تفکر و اقدام آزادانه، توسعه احساس خود ارزشی، اعتقاد به توانایی ایجاد تغییرات مطلوب در خود، حق کنترل زندگی خود، حق انتخاب، قدرت چانه زنی، بالفعل نمودن همه پتانسیل های زنان و برابری در جامعه می باشد به طور کلی توانمندسازی زنان، کنترل آنها بر زندگی خودشان در هر فرآیند و فعالیتی است. به عبارت دیگر توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع، پیشرفت کرده و فعالیت هایی را انجام می دهند که باعث تسلط آن ها در تعیین سرنوشت خود می شود.

برای حصول به توانمند سازی زنان کارآفرین راهکارهای مختلفی وجود دارد که یکی از آنها آموزش می باشد. آموزش شامل فرآیند تدریس و آموزش دانش، بینش و مهارت های مورد نیازی است که مخاطبان را قادر می سازد تا بتوانند یک کسب و کار جدید را از لحاظ طرح ریزی، راه اندازی و مدیریت به انجام برسانند. (عزیزی، ۱۳۸۹).

به عبارت دیگر آموزش کارآفرینی در نظر گرفتن قابلیت های آموزش کارآفرینی در زمینه های ریسک پذیری، کانون کنترل درونی، نیاز به موفقیت، عمل گرایی، تحمل ابهام، چالش طلبی و استقلال طلبی است (Golmohammadi, 2019).

آموزش کارآفرینی با تحلیل اجزای فرآیند کارآفرینی، کارآفرینان را به سوی مخاطره پذیری، مسئولیت پذیری، همدلی و تعاون و دیگر اجزای مرتبط به اهداف کارآفرینی هدایت می کند و فرهنگ کارآفرینی از طریق آموزش کارآفرینی ارتقاء می یابد.

با این وجود علیرغم سیر پیش رونده کارآفرینی در کشورهای مختلف، آمارهای موجود بیانگر آن است که هنوز جامعه ایران نتوانسته است از توانمندی های مربوط به زنان کارآفرین استفاده نماید (جزنی، ۱۳۸۸) و (Golmohammadi, 2019).

۵. آموزش و توانمندسازی زنان

فرایند آگاه سازی و به دست آوردن کنترل بیشتر بر روی زندگی خویش بخشی از مسئله مهم تواناسازی زنان می باشد. روابط متداول قدرت در اجتماع را وقتی می توان برای مدتی طولانی و به طور عمیق تغییر داد که فرایند آموزش میزان اعتماد به نفس و مهارت های کافی برای شرکت در کل فرایند توسعه را افزایش بدهد. زنان باید فعالانه در فراهم نمودن امر توسعه و به عنوان عاملی برای ایجاد تغییرات به صورت برنامه ریزان، اجرا کنندگان و ارزیابان شرکت نمایند. آموزش را می توان به عنوان یکی از استراتژی های مهم برای دستیابی زنان به حقوق خود عنوان نمود و آموزش نقش محوری در هر گونه اموری که به منظور افزایش مشارکت زنان در امر توسعه انجام می گردد ایفا می نماید. در طول دهه گذشته شماری از کشورها قدم هایی برای رسیدن به اهداف مربوط به امور زنان در رابطه با نیازهای آنها و ادغام آنان در فرایند توسعه برداشته اند (عظیمی، ۱۳۷۶) و (Golmohammadi, 2019).

۶. توانمند سازی زنان از طریق آموزش ترویج کشاورزی

لازمه یک توسعه پایدار، کارا و موثر جهانی این است که خدمات آموزشی ترویجی را به خدمت بگیریم و از طریق آن حرفه ای را آموزش داده، برنامه های توسعه ای برای زنان کشاورز اجرا کنیم.

با توجه به مطالعات انجام شده در گذشته روی کشاورزی و ترویج، هفت پیشنهاد به عنوان ملاحظات ضروری برای نظام آموزش و ترویج کشاورزی و برنامه های توسعه ای آن جهت توانمند سازی زنان در نظر گرفته شده است.

- ۱- اساس توسعه برنامه ها روی شرایط و حقایق ویژه و تشخیص نیازهای زنان در کشاورزی باشد.
- ۲- اساس برنامه ها روی مجموع داده های حاصل از نیاز سنجی جنسیتی باشد .
- ۳- دسترسی داشتن زنان به خدمات آموزشی و ترویجی و مشارکت آنها در طراحی و توسعه برنامه های ترویجی، بخصوص زنان کشاورز .
- ۴- ارزشیابی از میزان سازگاری، مفید بودن و تاثیر برنامه های آموزشی و ترویجی برای زنان در کشاورزی .
- ۵- بکارگیری زنان به عنوان کارکنان حرفه ای و نیمه حرفه ای و عوامل میدانی برای خدمات آموزشی و ترویجی که مناسب و لازم است .
- ۶- عرضه خدمات آموزشی ترویج برای کارکنان زن در زمینه مهارتهای مدیریتی، انتقال اطلاعات و فنون.

۷- خدمات ترویجی به شکل ارتباط با گروههای زنان روستایی برای تلاش در جهت توسعه مشارکتی روستایی (Rivera and Corning, 1990) و (Golmohammadi, 2019).

۷. تکنیکها و راهکارهای توانمندسازی زنان روستایی

- ۱- سوادآموزی پایه و توسعه سیستم های کشاورزی یکپارچه برای توانمندسازی زنان
- ۲- فراهم ساختن آموزش پایه.
- ۳- بالا بردن ظرفیت درآمد زایی از راه خود اشتغالی و مهارت های رهبری.
- ۴- مطرح ساختن آموزش درسیستم یکپارچه.
- ۵- ارائه و ایجاد برنامه اعتباری پایدار برای زنان .
- ۶- آغاز فرایند رهبری با آگاهی بالا، با توجه به موضوعات جنسیتی، برابری و عدالت زنان.
- ۷- ایجاد قدرت رهبری میان زنان به وسیله شبکه آموزش و اطلاعات با آموزش و برنامه های درآمد زا.
- ۸- فراهم کردن حمایت قانونی، برابری حقوق، دموکراسی، آگاهی افراد و مراقبت بهداشتی.
- ۹- استفاده از مدل های تجربه شده موفق برای تکرار در نواحی دیگر.
- ۱۰- ایجاد محیطی توانا متناسب با وضعیت زنان روستایی از جمله چشم انداز یکپارچه جنسیتی در خط مشی های بزرگ اقتصادی و توسعه سیستم های حمایتی و اجتماعی مناسب .
- ۱۱- آموزش برنامه های سوادآموزی و حمایت اجتماعی (قلفی، ۱۳۸۱) و (Golmohammadi, 2019).

۸. روش های مختلف آموزشی و مرور مطالعات به منظور تعیین کارکرد هر یک از این روش ها

یکی از برنامه ریزی ها و کارهای لازم برای افزایش آگاهی، دانش و مهارت و کارایی زنان روستایی، آموزش است زیرا با آموزش می توان از یک سو دانسته ها و اندوخته های قبلی آنان را تقویت کرد و از سوی دیگر آن ها را با دستاوردهای جدید علمی و فنی آشنا ساخت. آموزش باعث انتقال تجربیات، یافته ها و دستاوردهای جدید و توانمندسازی زنان روستایی می شود (زارع و برادران، ۱۳۸۸) و (Golmohammadi, 2019).

روش های آموزشی مانند معابر یا کانل های ارسال پیام در سیستم ارتباطات تلقی می شوند اگر کانال ارتباطی درست و مناسب انتخاب شود در ارسال پیام و تفهیم آن در گیرنده پیام البته تسریع خواهد شد. از سوی دیگر انتخاب روش مناسب آموزشی باعث افزایش راندمان آموزشی شده و بعلاوه در وقت و انرژی و منابع موجود صرفه جویی خواهد شد (زمانی پور، ۱۳۸۷) و (Golmohammadi, 2019).



دومین همایش حکمرانی اسلامی

بیستم
آبان
۱۳۹۹
تهران

در انتخاب روش آموزشی مناسب، اصولی را نیز باید مد نظر قرار داد که عبارتند از:

- ۱- هیچ روش آموزشی منحصر به فردی بهتر از روش آموزشی دیگر نیست بلکه هر روش در شرایط خاصی بهترین است.
- ۲- برای اجرای برنامه های ترویجی باید از چند روش آموزشی استفاده نمود تا فراگیری آسان تر و سریع تر شود.
- ۳- در بعضی موارد روش های آموزشی همپوشانی پیدا می کنند که باعث تقویت یکدیگر می گردند.

۹. تقسیم بندی روش های آموزشی

الف- روش های آموزش انفرادی:

روش های آموزش انفرادی شامل ملاقات در خانه و مزرعه، دیدار ارباب رجوع از اداره ترویج، تماس های غیر رسمی، کشاورز نمونه، روش های ارتباط تلفنی می باشد.

ب= روش های آموزش گروهی:

روش های آموزش گروهی شامل نمایش های عملی (نمایش طریقه و نمایش نتیجه) روز مزرعه، گردش صحرایی، ایراد سخنرانی، روش پرسش و پاسخ، کارگاه و بحث گروهی می باشد.

ج- روش های آموزش انبوهی:

روش آموزش انبوهی شامل رادیو، تلویزیون، نمایش فیلم، رسانه های چاپی و نمایشگاه می باشد (فمی، ۱۳۸۹).

در ذیل به برخی کارکردهای روش های آموزشی مختلف توسط برخی از محققین می پردازیم:

(Xollett & Galé, ۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان (آموزش برای توسعه روستایی، مهارت های کشاورزی و سرمایه گذاری برای زنان روستایی خرده پا) به این نتیجه دست یافتند که آموزش گروهی فرصتی را در اختیار زنان به منظور منعکس کردن و ارزیابی مجدد فعالیت های تولیدی آن ها قرار می دهد. آن ها ساختاری را ارایه می دهند که خرده پایان را به اشتراک گذاری اطلاعات آموزشی، به منظور آموزشی بهتر و حمایت از یکدیگر در استفاده از تکنیک ها و فناوری های جدید و کاهش فشار گروهی قادر می سازد. برای زنان، گروه ها به ویژه در تسهیل دسترسی به آموزش اهمیت دارند. همچنین تأکید ارائه آموزش که مستقیماً مربوط به نیازهای گروه هدف باشد و اصلاح مواد آموزشی و تکنیک های آن ها برای آموزش به افراد با سطوح سواد پایین دارای اهمیت است.

در تحقیقی که توسط (Σπιελμανεταλ, 2008) با عنوان (شبکه ها و نظام های نوآوری روستایی، یافته های حاصل از مطالعه خرده مالکان اتیوپی) انجام پذیرفت، مشخص شد که یادگیری گروهی در کمک به نوآوری خرده مالکان اهمیت دارد. آموزش زنان در گروه، گروه را قادر به انجام کارها به صورت مؤثر می سازد و آموزش های فنی را در کشاورزی و مهارت های سرمایه گذاری تکمیل می کند.

میرترابی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه ای با عنوان (عامل های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا، کرج) عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی ترویجی در بخش کشاورزی را شامل میزان استفاده از تلویزیون، رادیو و تعداد تماس با مروجان بیان کرده اند. از طرفی زنان روستایی مورد مطالعه، تلویزیون را به عنوان مهم ترین راه ارتباطی جهت مشارکت در فعالیت های پس از برداشت مورد استفاده قرار داده اند (Golmohammadi, 2019).

(Al-Saadi et al, 2011) در مطالعه ای با عنوان (زنان کار آفرین در منطقه البطینه در عمان، شناسایی موانع) به این نتیجه دست یافتند که نوارهای ویدیویی می تواند برای آمادگی کشاورزان با منابع کم که شامل زنان هم می گردد، برای گسترش توزیع محلی دروس و اطلاعات به همراه استفاده از مواد بصری و چاپی مفید باشد.

مشاهده نوارهای ویدیویی توسط زنان می تواند مقرون به صرفه باشد. نظام ترویجی بایستی روش هایی برای گسترش اطلاعات برای زنان به منظور غلبه بر محدودیت های زمانی و حرکتی و محدودیت آموزشی آن ها مشخص سازد. برخی روش ها شامل دوره های آموزشی سیار و استفاده وسیع از رسانه های گروهی مثل رادیو، نوارهای ویدیویی میتواند بسیار مثر باشد.

Rouse (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان (ارتقاء واحدهای تجاری گروه های تولید کننده پایدار، مروری بر تجربیات FAO در سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۶) با این نتیجه دست یافت که مزیت عمده از ارائه آموزش در چارچوب گروه این است که آن ها یک ساختار را ارائه می دهند که زنان روستایی خرده مالک را قادر می سازد تا از یکدیگر یاد بگیرند و اینکه فناوری های با سازگاری های بهتر به اشتراک گذارده شوند. تولیدکنندگان کوچک اطلاعات را به اشتراک می گذارند و دانش را کسب می کنند و به مدیریت کسب و کار و مهارت در گروه های کوچک در مقایسه با گروه های بزرگ، توسعه می بخشند.

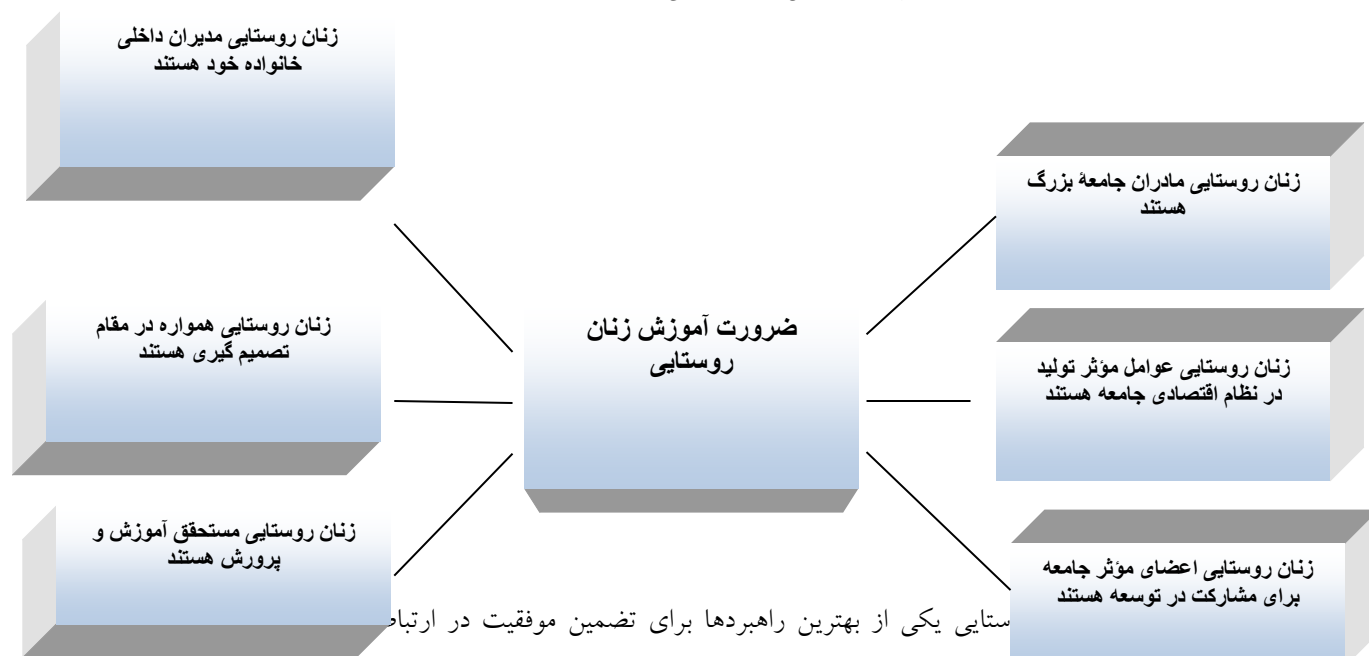
صباحیان و معینی (۱۳۸۳) در مطالعه ای با عنوان (اثربخشی کارگاه های آموزشی :مطالعه موردی) به این نتیجه دست یافتند که کارگاه های آموزشی در بهبود آموزش و اثربخش شدن آن تأثیر دارد کارگاه های آموزشی موجب افزایش مهارت، آگاهی و توانایی افراد می گردد (Golmohammadi, 2019).

۱۰. ضرورت آموزش زنان روستایی

امروزه در میان سرمایه های متنوعی که برای توسعه وجود دارد، بدون شک، سرمایه انسانی از اولویت خاصی برخوردار است و طبیعی است که سرمایه گذاری در این زمینه موجب پرورش افرادی خبره، ماهر، آگاه و رشد یافته می شود (نگهدار، ۱۳۸۲) با توجه به اینکه زنان روستایی بیش از یک سوم از جمعیت فعال جهان را تشکیل داده و نقشهای متعددی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارند، ضرورت آموزش و پرورش زنان روستایی در تمامی ابعاد، بیش از پیش احساس می شود. زنان روستایی در شرایط بسیار سستی کار میکنند، با ابزارهای اولیه سستی کشاورزی سر و کار دارند و فاقد اطلاعات لازم درباره سیستمهای جدید زراعی، دامداری و... میباشند (خسروی و برادران، ۱۳۸۲). به همین منظور، آموزش و پرورش اعضای هر جامعه به ویژه زنان، همواره امری مهم و لازم است. این امر به خصوص برای زنان روستایی که در محرومیت به سر می برند حائز اهمیت بیشتری

است، پس میتوان علو انگیزه های اصلی، برای آموزش زنان روستایی را در شش قالب کلی در نمودار(۱) نشان داد (شهبازی، ۱۳۸۴) و (Golmohammadi, 2019).

نمودار ۱- ضرورت آموزش زنان روستایی (Golmohammadi, 2019)



روستایی یکی از بهترین راهبردها برای تضمین موفقیت در ارتباط است (عباس پور، ۱۳۸۲). کرمی و همکارانش (۱۳۸۸) بیان نمودند، در نظام آموزشی _ ترویجی باید شناختی کلی از جایگاه زنان در اقتصاد جامعه روستایی و نیازهای آنها صورت گیرد، زیرا زنان روستایی اعضای مؤثر در روند توسعه روستایی، تولید محصولات کشاورزی و مولدان آینده مکتب آموزشی ترویج به شمار میروند. نقش ترویج به عنوان یک نظام آموزشی خاص، یاری مردم روستایی، بهبود موقعیت اقتصادی، اجتماعی، تغییر در دانش، بینش، نگرش و مهارت افراد در جهت مثبت می باشد.

به همین منظور، برگزاری دوره های آموزشی از جمله راههای علمی و عملی افزایش سطح دانش و مهارت می باشد و می بایست محتوای این دوره های آموزش متناسب با نیازهای واقعی شرکت کنندگان باشد که در نهایت افزایش تولیدات و بهبود کیفیت زندگی آنها را به همراه دارد (Asdolapour, 2006) و (Golmohammadi, 2019).

۱۱. نقش آموزش مهارت های کسب و کار بر اشتغال زنان

برگزاری دوره های آموزشی از جمله راه های عملی افزایش سطح دانش و مهارت های افراد به شمار می رود. دوره های آموزشی که محتوای آنها متناسب با نیازهای واقعی شرکت کنندگان باشد، موجب افزایش تولیدات و در نهایت، بهبود کیفیت زندگی آنها می شود. امروزه، هدف از آموزش زنان، بر خلاف دوره های قبل، کسب مهارت های خانگی یا افزایش آمادگی برای نگهداری از فرزندان نیست، بلکه ارتقای مهارتهایی است که به کسب استقلال اقتصادی، حضور و مشارکت اجتماعی، افزایش دانش و ارتقای سطح توانمندی و ایجاد روحیه کارآفرینی کمک می کند. با توجه به این اهداف، در اکثر کشورها آموزش زنان در قالبهایی مشابه با الگوی آموزش مردان در کشورهای صنعتی، طراحی و توسعه یافته است که به طور کلی بر آموزش اطلاعات و همچنین، مهارت های لازم برای فعالیت در مراکز تولیدی، تحقیقاتی، خدماتی و سیاسی متمرکز می باشد.

استقبال گسترده جوامع گوناگون از آموزش زنان احتمالاً دلایل متعددی دارد. دلیل اول نفرت و انزجار عمومی از ستم جنسیتی که در تجربه تاریخی تمام ملتها کمابیش وجود دارد. دلیل دوم، رواج ستمهای آلودی که همچنان زمینه تداوم خشونت و پایمال شدن حقوق و آزادیهای زنان را تقویت مینمود و دلیل سوم با معرفی آموزش و اشتغال در زمره استانداردهای زندگی، زنان و مردان به طور یکسان مشتاق دریافت دانشهای رسمی و شغل های شهری شدند.

اشتغال و آموزش زنان از ملاکهای مهم، پیشرفت یک جامعه تلقی می شود و به سیاستگذاری و برنامه ریزی دقیق نیاز دارد و نقش زنان در توزیع ارزشهای مسلم و انتقال آن به نسلهای آینده می تواند اهمیت سیاستگذاری در حوزه آموزش زنان را آشکار سازد. بدون شک نیازهای آموزشی زنان با انتظارات بازار اشتغال هماهنگ شده و آموزش معطوف به اشتغال در گرو برآورد دقیق فرصتهای شغلی و برنامه ریزی برای افزایش آنهاست. توسعه صنعتی و پیشرفت اقتصادی علاوه بر منابع انرژی و نیروهای موجود در طبیعت به کیفیت و کمیت نیروهای انسانی وابسته می باشد و این ارتباط سبب شده کسب مهارت های شغلی با نوع فعالیتهای یادگیری ارتباط تنگاتنگی پیدا کند و (Golmohammadi, 2019).

تشابه مطالبات آموزشی زنان با مردان توانسته است بار دیگر آموزش زنان را با چالشهای جدیدی روبه رو کند.

۱- حضور اجتماعی زنان و ارتقاء موقعیت آنان در گرو نقشهایی است که زنان بتوانند هم پای مردان در قالب مشاغل گوناگون ایفاء کنند.

۲- تشدید رقابتهای شغلی سبب تشدید رقابتهای آموزشی شده و مداخلات دولتها را برای طبقه بندی مشاغل و رشته های تحصیلی و در نتیجه، هدایت تحصیلی مردان و زنان ضروری نموده است.

همچنین، برنامه های آموزشی زنان در این حوزه به مهارتها و آموخته هایی معطوف می شود که در سبد انتظارات بازار است و به جای تناسب با علایق و نیازهای یادگیرنده، با نیازها و انتظارات مراکز صنعتی، علمی، خدماتی و تولیدی سازگاری دارد. در نتیجه،

نارضایتی شغلی به نارضایتی از آموزش تعمیم یافته و سبب میشود انگیزه های آموزشی به انگیزه های شغلی نظیر درآمد بیشتر و منزلت بالاتر گره بخورد (Golmohammadi, 2019).

علاوه بر این، الگوی رایج آموزش زنان که معطوف به اشتغال است، با ناسازگاری انتظارات زنان با مسئولیتها و نقش هایی مواجه میشود که آنها به طور سنتی بر عهده داشتند. بنابراین، واقعیات مربوط به اشباع بازار اشتغال و همچنین تداوم نقش سنتی به شیوع نارضایتیهای مختلف در میان زنان دامن میزند و هزینه های سنگینی را برای مبارزه با ناهنجاریهای اخلاقی، درمان مشکلات روانی، حل نابسامانی های خانوادگی، رفتارهای - مخاطره آمیز و غیره بر جامعه تحمیل میکند. بدین ترتیب، رابطه آموزش با اشتغال که از زمینه های تاریخی و دلایل واقعی توسعه آموزش زنان بوده است، کم کم با اشباع فرصتهای شغلی و افزایش رقابتهای مربوط به آن تفسیر نموده و در نتیجه، آموزش زنان به لحاظ کیفی و کمی با تهدید رو به رو شده است.

نتایج تحقیقات در رابطه با نقش آموزش زنان در دیگر کشورها نشان داده است دوره های آموزشی کسب و کار برای کمک به زنان جهت بهبود مدیریت و سودآوری در کسب و کار موفقیت آمیز است. اما کمکهای مالی از قبیل اعطای وامهای کوچک به همراه آموزش میزان این موفقیت را افزایش میدهد. تحقیقات در سریلانکا نشان می دهد آموزش به تنهایی به تغییر در برخی شیوه های کسب و کار منجر می شود، اما تأثیری در افزایش سود، خرید و فروش و سهام ندارد. در مقابل ترکیبی از آموزش و کمک مالی منجر به پیشرفتهای بزرگ و قابل توجهی در سودآوری کسب و کار می شود

(De Mel et al., 2012).

بسیاری از مطالعات در کشورها ارتباطی قوی بین افزایش دسترسی دختران به آموزش و رشد تولید سرانه داخلی را نشان میدهند. در کره جنوبی تعداد زنان کارآفرین رو به افزایش است. زنان صاحب ۳۸ درصد از سرمایه گذاری در این کشور هستند. اما بیشتر زنان کارآفرین در بخش خدمات و خرده فروشی مشغول به فعالیت هستند (Lee et al., 2011).

سازمان بین المللی کار در کشورهای مختلف اقدام به برگزاری دوره های آموزشی مختلفی برای زنان کرده است به عنوان نمونه در تانزانیا پس از شرکت در این برنامه ها، عضویت در انجمن زنان کارآفرین ۳۱ درصد افزایش یافته است.

تحقیقات نشان میدهد توانمندسازی یک ایده متداول محسوب می شود که به عنوان بخشی از عوامل توسعه نیروی انسانی، قادر است اشتغالزایی و کارآفرینی را به وجود آورده و با بهبود عملکرد افراد به تثبیت نیروی انسانی کارآمد یاری رساند. توانمندسازی زنان جویای کار، نیازمند آموزش های ویژه ای است که در طی این آموزش ها بتوانند به توانایی غلبه بر مشکلات، تفکر خلاقانه و غیره دست یابند و از این طریق بتوانند به اشتغالزایی و در نهایت، کارآفرینی دست یابند. آموزش های آماده سازی شغلی و مهارتهای کسب و کار بر توانمندسازی زنان جویای کار مؤثر است. توانمندسازی دانش آموختگان زن جویای کار باید با تأکید بر

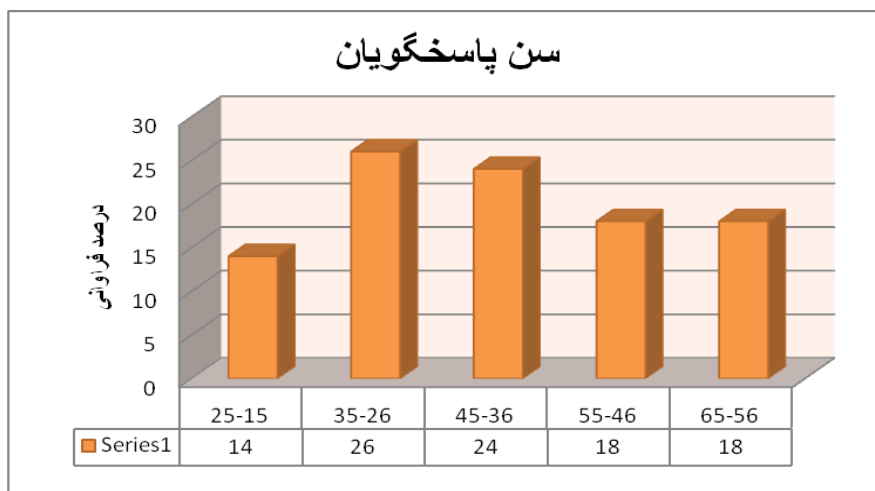
سه عنصر توانمندسازی فردی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی صورت گیرد تا از این طریق بتوانند به اشتغالزایی پرداخته و توانایی برطرف نمودن مشکلات مرتبط با کسب و کار را به دست آورند. آموزشها باید به طور تخصصی انجام گیرد تا به افزایش آگاهیها و اطلاعات فردی شغلی بیانجامد و زنان جویای کار بتوانند با آگاهیهای بیشتری به انتخاب شغل اقدام نمایند (گلرد، ۱۳۸۴) و (Golmohammadi, 2019).

۱۲. یافته های توصیفی پژوهش

به منظور تعیین ویژگی های فردی و سنجش توانمندی زنان روستایی و سنجش ویژگی های شغلی و مهارتی زنان روستایی پرسشنامه ای طراحی و در اختیار زنان روستایی قرار گرفت که نتایج حاصل از یافته های این پرسشنامه به شرح موارد ذیل می باشد.

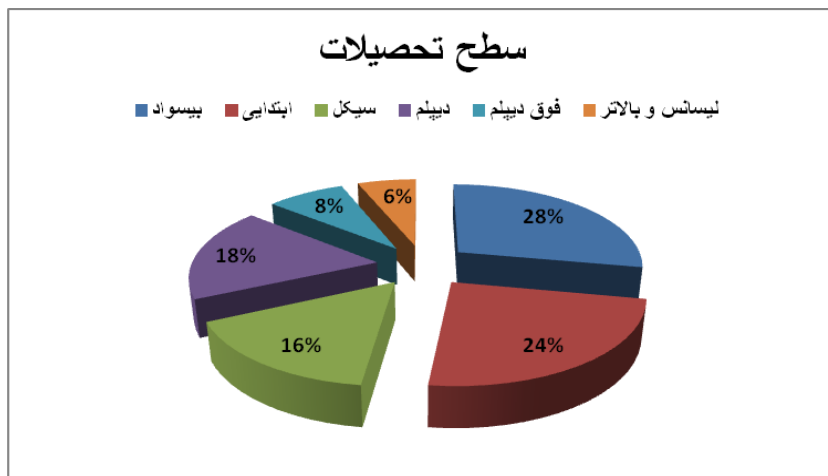
یافته های تحقیق نشان داد که میانگین سن پاسخگویان معادل ۴۰/۵۸ سال بوده که حاکی از میانسالی افراد مورد مطالعه است همچنین رده سنی ۲۶-۳۵ سال با ۲۶ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. نمودار (۱) توزیع درصد فراوانی سن پاسخگویان را نشان می دهد.

نمودار شماره ۲: سن پاسخگویان



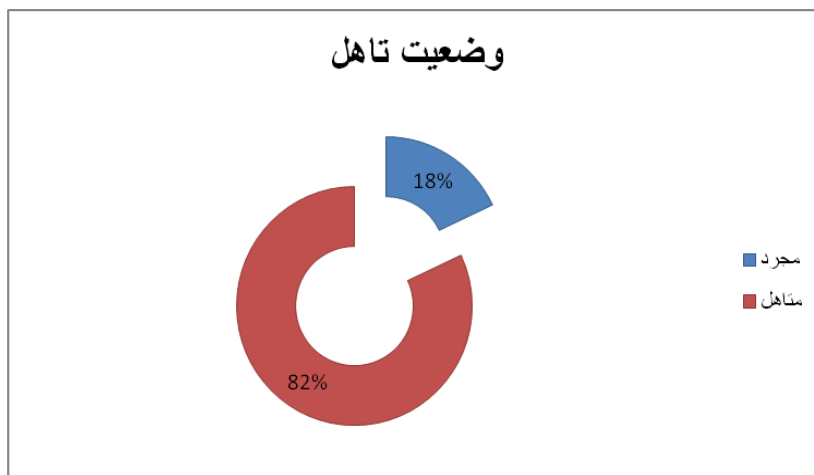
از نظر مدرک تحصیلی، افراد بیسواد با ۲۸ درصد بیشترین میزان فراوانی را داشتند این در حالی است که افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر با ۶ درصد کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص دادند. نمودار (۳) وضعیت تحصیلات پاسخگویان را نشان می دهد.

نمودار شماره ۳: وضعیت تحصیل پاسخگویان



همچنین نتایج تحقیق مبین این واقعیت بودند که تنها ۱۸ درصد افراد مورد مطالعه را مجردین تشکیل می دادند. نمودار (۴) وضعیت تاهل افراد مورد مطالعه را نشان می دهد.

نمودار شماره ۴: وضعیت تاهل پاسخگویان



توانمندی هنگامی به وجود می آید که افراد قدرت و توان لازم را برای انجام یک شغل یا حرفه جدید را کسب نمایند. در این تحقیق تاثیر آموزش های مهارتی در توانمندسازی زنان روستایی از طریق ۱۵ نشانگر مورد بررسی قرار گرفته است که این نشانگرها به همراه فراوانی و میانگین رتبه ای و رتبه هر نشانگر در جدول (۳) آمده اند.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی و درصد توانمندی حاصل از ارائه آموزش ها به زنان روستایی

اولویت	میانگین رتبه ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نشانگرهای سنجش توانمندی زنان روستایی
۱	۳.۵۲	۹	۲۰	۱۲	۶	۳	افزایش قدرت تدبیر در کار
۲	۳.۳۸	۱۱	۱۱	۱۶	۱۰	۲	افزایش قدرت برتری بر دیگران
۳	۳.۳۰	۱۳	۱۰	۱۲	۹	۶	افزایش قدرت درک و شناخت حرفه
۴	۳.۲۶	۹	۱۶	۱۱	۷	۷	افزایش خلاقیت
۵	۳.۱۸	۱۰	۱۳	۸	۱۴	۵	افزایش توانایی بکارگیری ریسک های حساب شده
۶	۳.۱۰	۸	۱۱	۱۳	۱۴	۴	افزایش واکنش در برابر پیشنهادات
۷	۳	۷	۱۰	۱۵	۱۲	۶	افزایش اعتماد به نفس
۸	۲.۹۴	۷	۱۲	۱۱	۱۱	۹	افزایش روحیه موفقیت طلبی
۹	۲.۹۰	۵	۹	۱۸	۱۲	۶	افزایش انعطاف پذیری
۱۰	۲.۸۸	۶	۱۰	۱۳	۱۴	۷	افزایش روحیه و نشاط و شادابی
۱۱	۲.۸۲	۶	۱۲	۸	۱۵	۹	افزایش روحیه کار گروهی
۱۲	۲.۷۸	۷	۷	۱۴	۱۲	۱۰	افزایش قدرت تعامل با دیگران
۱۳	۲.۶۲	۴	۸	۱۴	۱۳	۱۱	تقویت و افزایش تلاش موثر
۱۴	۲.۴۴	۶	۵	۹	۱۵	۱۵	افزایش روحیه ابتکار و نوآوری
۱۵	۲.۴۲	۷	۶	۴	۱۷	۱۶	افزایش روحیه پویایی و رهبری

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می گردد نشانگرهایی که میانگین رتبه ای بیشتری دارند بیشترین تاثیر را از آموزش پذیرفته اند که شامل: ۱. افزایش قدرت تدبیر در کار ۲. افزایش قدرت برتری بر دیگران ۳. افزایش قدرت درک و شناخت حرفه و ۴. افزایش خلاقیت می باشند. این مطلب مبین آن است که زنان روستایی توانمندی در سطح متوسط به بالایی را از طریق این آموزش ها کسب کرده و توانسته اند نتیجه آنرا در نگرش خود نشان دهند.

اما متغیرهای مانند: ۱. تقویت و افزایش تلاش موثر، ۲. افزایش روحیه ابتکار و نوآوری و ۳. افزایش روحیه پویایی و رهبری، میانگین رتبه ای کمتری را کسب کرده اند و در اولویت پایین تری قرار گرفته اند که نشان دهنده تاثیر کمتر آموزش ها در این خصوص بوده است.

در راستای تعیین تاثیر آموزش بر ویژگی های شغلی و مهارتی زنان روستایی از ۱۸ نشانگر استفاده شد که این نشانگرها به همراه فراوانی و میانگین رتبه ای و رتبه در جدول (۴) آمده اند.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی و درصد سنجش ویژگی های شغلی و مهارتی زنان روستایی

اولویت	میانگین رتبه ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نشانگرهای سنجش ویژگی های شغلی و مهارتی زنان روستایی
۱	۳.۳۸	۱۱	۱۱	۱۶	۱۰	۲	افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش های بهتر
۲	۳.۳۲	۹	۱۲	۱۷	۱۰	۲	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب
۳	۳.۳۰	۹	۱۱	۱۹	۸	۳	مشارکت در تصمیمات خانواده و محیط زندگی
۴	۳.۱۸	۹	۱۱	۱۴	۱۲	۴	افزایش دانش و آگاهی از فن آوری های نوین
۵	۳.۱۴	۶	۱۶	۱۳	۱۲	۳	برتری نسبت به دیگران
۶	۳.۰۸	۶	۱۴	۱۴	۱۰	۶	انگیزه در جهت ایجاد کارگاه خود اشتغالی
۷	۳.۰۶	۴	۱۴	۱۷	۱۱	۴	این مهارت احساس توانایی خوبی به من داده است
۸	۲/۹۸	۴	۱۶	۱۲	۱۱	۷	افزایش مهارت در بکارگیری آموخته ها در محل کار
۹	۲/۸۲	۶	۱۲	۸	۱۵	۹	افزایش انگیزه در جهت شرکت موثر در کلاس
۱۰	۲/۷	۳	۸	۱۸	۱۳	۸	افزایش توان علمی مطلوب
۱۱	۲/۶۶	۵	۱۱	۶	۱۸	۱۰	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با مطلب آموزشی
۱۲	۲/۶۴	۳	۸	۱۴	۱۸	۷	افزایش رغبت به کار گروهی
۱۳	۲/۶	۱	۱۰	۱۵	۱۶	۸	افزایش قدرت اتکاء به خود
۱۴	۲/۵۸	۶	۶	۱۱	۱۵	۱۲	افزایش دانش و آگاهی از بازار کار
۱۵	۲/۵۲	۲	۷	۱۵	۱۷	۹	افزایش تمجید از سوی از خانواده
۱۶	۲/۳۴	۱	۵	۱۴	۲۰	۱۰	ایجاد شغل با مهارت آموخته شده
۱۷	۲/۳۲	۲	۲	۱۷	۱۸	۱۱	افزایش دانش و آگاهی از شغل های مرتبط با مطلب آموزشی
۱۸	۲/۳	۳	۴	۱۲	۱۷	۱۴	افزایش تغییرات موثر

همانگونه که در جدول (۴) مشاهده می گردد نشانگرهایی که میانگین رتبه ای بیشتری دارند بیشترین تاثیر را از آموزش پذیرفته اند که شامل: ۱. افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش های بهتر ۲. افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب ۳. مشارکت در تصمیمات خانواده و محیط زندگی و ۴. افزایش دانش و آگاهی از فن آوری های نوین می باشند. این مطلب مبین آن است که زنان روستایی ویژگی های شغلی و مهارتی در سطح متوسط به بالایی را از طریق این آموزش ها کسب کرده و توانسته اند نتیجه آنرا در نگرش خود نشان دهند.

اما متغیرهای مانند: ۱. ایجاد شغل با مهارت آموخته شده، ۲. افزایش دانش و آگاهی از شغل های مرتبط با مطلب آموزشی و ۳. افزایش تغییرات موثر، میانگین رتبه ای کمتری را کسب کرده اند و در اولویت پایین تری قرار گرفته اند که نشان دهنده تاثیر کمتر آموزش ها در این خصوص بوده است.

۱۳. نتیجه گیری و بحث

ضرورت پرداختن به مقوله توانمندسازی و کارآفرینی و متعاقب آن ایجاد اشتغال پایدار از آن جهت حائز اهمیت است که روستاها نیز همچون شهرها، مملو از فرصت های جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره برداری به موقع از این فرصت ها و ایجاد کسب و کارهای جدید و رقابت پذیری بر مبنای آن می تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستاییان به همراه آورد و زمینه را برای تحقق توسعه متوازن آماده نماید بدیهی است دست یابی به این مهم بدون آموزش هدفمند و اثربخش محقق نخواهد گردید. اشتغال و آموزش زنان از ملاکهای مهم، پیشرفت یک جامعه تلقی میشود و به سیاستگذاری برنامه ریزی دقیق نیاز دارد و نقش زنان در توزیع ارزشهای مسلم و انتقال آن به نسلهای آینده میتواند اهمیت سیاستگذاری در حوزه آموزش زنان را آشکار سازد. بدون شک نیازهای آموزشی زنان با انتظارات بازار اشتغال هماهنگ شده و آموزش معطوف به اشتغال در گرو برآورد دقیق فرصتهای شغلی و برنامه ریزی برای افزایش آنهاست. برای دستیابی به این مهم استفاده از روش های آموزشی مناسب نقش موثری در دستیابی به اهداف و حصول نتیجه دارد. روش های آموزشی مانند معابر یا کانل های ارسال پیام در سیستم ارتباطات تلفیقی می شوند اگر کانال ارتباطی درست و مناسب انتخاب شود در ارسال پیام و تفهیم آن در گیرنده پیام البته تسریع خواهد شد. از سوی دیگر انتخاب روش مناسب آموزشی باعث افزایش راندمان آموزشی شده و بعلاوه در وقت و انرژی و منابع موجود صرفه جویی خواهد شد (Golmohammadi, 2019).

پیشنهادهای و راهکارها

به منظور اشاعه و تقویت فرهنگ اشتغال زنان، ایجاد بستر مناسب برای بروز خلاقیت اشتغال زنان و بهره گیری از استعدادها و تواناییهای آنها راهکارها و تدابیر لازم پیشنهاد و ارائه میشود:

- ۱- فرهنگ سازی در تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی زنان در فعالیتهای اقتصادی.
- ۲- تدوین سیاستها و برنامه های آموزشی با نیازهای حرفه ای زنان توسط متولیان آموزشی رسمی و غیر رسمی کشور.
- ۳- تشکیل انجمن های جهت اشتراک گذاری تجربیات آموزشی کسب و کار زنان و حمایت از کارآفرینی آنها.
- ۴- ارائه خدمات مشاوره ای جهت تسریع و تسهیل بسترسازی اشتغال زنان
- ۵- شناخت و تقویت انگیزه ها در زنان شاغل، رشد و توسعه سرمایه انسانی آنان.
- ۶- ترویج آگاهیهای برابری جنسیتی برای توانمندسازی زنان در خانواده و جامعه.
- ۷- کمک به کارآفرینان جوان با حمایتهای مالی و رفع موانع جذب سرمایه در بازار کار زنان.
- ۸- تدوین خط مشی ها، استراتژی ها و قوانین مناسب توسط دولت در جهت ترویج و توسعه کسب و کارهای مستقل و خود اشتغالی زنان

- ۹- اجرای طرح بررسی نیازسنجی زنان روستایی در کلیه مناطق با توجه به ویژگیهای هر منطقه در راستای برنامه ریزی آموزشی مطابق نیاز آنان.
- ۱۰- به کار بردن تکنولوژی مناسب و تهیه فیلم های آموزشی برای زنان روستایی جهت آشنایی با فعالیتهای پیشبرنده توسعه روستایی در روستا.
- ۱۱- فراهم ساختن آموزشهای لازم درباره کشت محصولات، پرورش دام و طیور، صنایع دستی، صنایع تبدیلی و ... برای زنان روستایی.
- ۱۲- آموزش و حمایت از زنان روستایی برای کسب استقلال مالی (اعطای وام بدون بهره، بیمه، تسهیلات غیرنقدی و...)
- ۱۳- برنامه ریزی جهت آموزشهای سوادآموزی تابعی برای زنان روستایی.

فهرست مراجع

- ۱- اسمعیل تبار، م. (۱۳۸۵). مهارت و کارآفرینی. قابل دسترسی در: <http://alghalam.pershianblog.ir>
- ۲- پورقاسم، ف و حیدری، ع. و علی بیگی، ا. ج. (۱۳۹۰). استلزامات کارآفرینی در مسیر توسعه. قابل دسترسی در: <http://www.civilica.com>
- ۳- خانی جزنی، جمال (۱۳۸۸)، تأثیر آموزش کارآفرینی بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه های کشور، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۲۶۵-۲۴۲.
- ۴- خسروی پور، ب و برادران، م. (۱۳۸۲). مقدمه ای بر طراحی نظام مطلوب ترویج کشاورزی. اهواز. انتشارات کردگار
- ۵- زمانی پور، ا. ا. (۱۳۸۷). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. چاپ سوم. انتشارات دانشگاه بیرجند.
- ۶- زارع، ش. و برادران، م. (۱۳۸۸). بررسی نقش تسهیل گران در ارتقای آگاهی و مشارکت زنان روستایی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی. شیراز، ۲۶-۲۵ آذرماه ۱۳۸۸. صفحه ۳۹
- ۷- شهبازی، ا. (۱۳۸۴). توسعه و ترویج روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- صابر، ف. (۱۳۸۵). راه های توسعه کارآفرینی در ایران. چاپ سوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۹- صباغیان، ز. و معینی، ل. (۱۳۸۳). اثربخشی کارگاه های آموزشی: مطالعه موردی. فصلنامه علوم انسانی. سال ۱۰ شماره ۳. صفحات ۲۸-۱.
- ۱۰- طباطبایی، ش و حسینیان، س. (۱۳۸۴). توانمندسازی زنان سرپرست خانواده، از طریق مشاوره گروهی، آگاه سازی و کارآفرینی. فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول شماره ۴، صفحه ۳۶۸-۳۶۷.
- ۱۱- عباس پور، آ. (۱۳۸۲). آموزش نیروی انسانی تضمینی برای موفقیت در توسعه پایدار کشاورزی. نشریه داخلی فناوران روستا (ضمیمه ماهنامه جهاد). وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و نظام بهره برداری، سال سوم، شماره ۹، صفحه ۴۰-۳۸
- ۱۲ = عطیمی، ح. (۱۳۷۶). گزارش تلفیقی گروههای مطالعاتی، شناخت زمینه ها و ویژگی های مشارکت زنان در کشاورزی ج ۴. تهران: موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۱۲- فتحی و اجارگاه، ک. (۱۳۹۰). مهارت های کارآفرینی. قابل دسترسی در: <http://www.jobportal.ir>

- ۱۳- فمی، ح. (۱۳۸۹). اصول ترویج و آموزش کشاورزی. چاپ سوم. تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور. صفحات ۱۰۵-۶۱.
- ۱۴- قلی پور، آ. رحیمیان، ا. و میرزمانی، ا. (۱۳۸۷). نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۳: ۱۱۳-۱۳۲.
- ۱۵- قلفی، و. (۱۳۸۱). توسعه انسانی و توانمندسازی زنان در ایران. ماهنامه علمی جهاد، سال بیست و دوم، شماره ۲۵۱-۲۵۰.
- ۱۶- کمالی، م. ب. (۱۳۸۵). بررسی کاربرد رهیافت ارتباط دو سویه مروجان زن روستایی. انتشارات دفتر مطالعات و طراحی ترویج و نظام بهره برداری. تهران.
- ۱۷- کرمی، ش. آگهی، ح و پاپ زن، ع. (۱۳۸۸). ارزشیابی طرح آموزش، حمایت و سازماندهی زنان روستایی استان کرمانشاه به منظور تولید قارچ دکمه ای. فصلنامه روستا و توسعه، وزارت جهاد کشاورزی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال دوازدهم، شماره ۲، صفحه ۱۵۳-۱۲۷.
- ۱۸- کرمی، عزت الله و فنائی، سید ابوطالب. (۱۳۷۳). بررسی نظریه پردازی ها در ترویج کشاورزی، وزارت کشاورزی، تهران.
- ۱۹- گلرید، پ. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. پژوهش زنان، دور ۸، شماره ۱.
- ۲۰- میر ترابی، م، حجازی، ی، و حسینی، م. (۱۳۸۹). عامل های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا، کرج. فصلنامه علمی پژوهشی زن جامعه. سال اول، شماره چهارم. صفحات ۳۲-۱۹.
- ۲۱- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۹). سالنامه آمار ایران. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۲۲- نگهدار، ج. (۱۳۸۲). روشهای ارتباطی در خدمت توسعه روستایی. نشریه داخلی فناوری روستا (ضمیمه ماهنامه جهاد)، وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و نظام بهره برداری، سال سوم، شماره ۹، صفحه ۱۷-۲۳.
- ۲۳- نوری، ل و هاشمی، ا. (۱۳۸۱). تحلیل جنسیتی بازار کار در ایران و ضرورت اصلاح برنامه سوم توسعه، پژوهش زنان، سال اول، شماره ۲.

References:

- 1- Asdolahpour, A. (2006). Evaluation of educational courses for stockmen (The case of Mazandaran). Iranian Agricultural Extension and Education Journal: 2, (2), 99-110.
- 2- Al-Sadi, R., Belwal, B., & Al-Badi, R. (2011). Woman entrepreneurship in the Al-Batinah region of Oman: An identification of the barriers. Journal of International Women's Studies, 12 (3), 58-75. Retrieved from http://www.bridgew.edu/soas/jiws/ Vol12_no3/5_Belwal.pdf/
- 3- Collett, K., & Gale, C. (2009). Training for rural development: Agricultural and enterprise skills for women smallholders training. City and Guilds Centre for Skills Development, p. 80. Retrieved from: <http://t4rd.skillsdevelopment.org/PDF/Training%20for%20Rural%20Development-%20FINAL.pdf/>
- 4- De Mel, S, McKenzie, D, Woodruff, K (2012). Business Training and Female Enterprise Start-up, Growth, and Dynamics: Experimental Evidence from Sri Lanka, The World Bank, Development Research Group, Finance and Private Sector Development Team
- 5- FAO, (1998). Asia, s women In Agriculture, Environment and Rural Production. Food and Agriculture Organization of the united Nations. Available io line : <http://Fac.org/sd/WP direct/wp0108.htm>
- 6- Golmohammadi, F. 2018. Rural Women and Children in Iran: Development, Situations and Problems . LAP Lambert Academic Publishing, Germany. Number of pages: 490. ISBN: 978-613-7-71845-2. Online version is available on: www.amazon.com and www.lap-publishing.com plus...
- 7- Jusoh, R. , Ziae, B. , Asimiran, S., & Kadir, S. A. (2011). Entrepreneur training needs analysis: Implications on the entrepreneurial skills needed for Successful entrepreneurs. International Business &



دومین همایش حکمرانی اسلامی

بیستم
آبان
۱۳۹۹
تهران

Economics Research Journal.10(1).Retrieved from <http://organized-change-consultancy.wikispaces.com/file/view/Entrepreneur>

8- Lee,J, Sohn,S and Ju,Y(2011). How Effective Is Government Support for Korean Women Entrepreneurs in Small and Medium Enterprises? Journal of Small Business Management, 49(4).

9- Lashgarara, F. , Roshani, N., & Omid Najafabadi, M. (2011). Influencing factors on entrepreneurial skills of rural women (Ilam city in Iran).African Journal of Business Management . 5(14), 5536-5540, Retrieved from <http://www.academicjournals.org/AJBM>

10- Mckeown, J. , Millman, C., Sursani, S. R., Smith, k., & Martin, L. M. (2006). Graduate entrepreneurship education in the United Kingdom. Education and Training. 48(8/9), 597-613. Retrieved from <http://www.emeraldinsight.com/journals.htm?articleid=1583777>

11- Moghadam, Valentine, (2002). "Enhancing Woman's Economic Participation in the MENA Region". in Heba Handoussa and Zafiris Tzannatos, eds., Employment Creation and Social Protection in the Middle East and North Africa, Cairo and New York: The American University in Cairo Press

12- Navaz, F. (2009). Critical factors of women entrepreneurship development in rural Bangladesh. The (BDRPS) Bangladesh Development Reserch Working Paper Series Retrieved from: <http://.bangladeshstudies.org/files/WPS-no5>

13- Rouse, J. (2006). Promoting sustainable producer group enterprises: A review of FAO experience (1981–2006). Lessons learned and ideas for the future. FAO. Rome. p. 61. Retrieved from <ftp://ftp.fao.org/docrep/fao/010/ai024e/ai024e00.pdf>

14- Rivera , W.M.and Corning , S.L. ,(1990).Empowering Women Through Agricultural Extension:Aglobe perspective, Journal of Extension , 28(4).

14- Spielman, D. J., Davis, K. E., Negash, M., & Ayele, G. (2008). Rural innovation systems and networks findings 759. p. 44. Retrieved from: <http://ageconsearch.umn.edu/bitstream/42332/2/ifpridp00759.pdf>

15-Tarakeswara Rao, S., Tulasi Rao, G., & Suri Ganesh, P. (nd). Women entrepreneurship in India. Retrieved from <http://joc.hcc.edu.pk/articlepdf>